

## جادو و موسیقی «پوپ»<sup>۱</sup>

نوشته آلن دانیلو  
ترجمه مسعود رجب نیا

همچنانکه زبان محاوره برای ارتباط میان مردم پدید آمده است آواهای آهنگین و ضرب دارهم ظاهراً برای پدید آوردن حالات شورانگیزی به وجود آمده که هدفش ارتباط باعالم مخفی و یا دنیای روح است که به حواس ظاهری نمی آید. به عبارت دیگر زبان محاوره زبان مردم و زبان موسیقی زبان خدایان است.

در سرچشمه همه تمدنها به نوعی موسیقی برمی خوریم که در آدمیان حالت وجد و جذبه و شوق و مستی عرفانی ایجاد می کند و شنونده را از خود بیخود و تسلیم نیروهای نهانی و باطنی می کند و در آن حالت سخنانی بر زبان جاری می سازد که ناشی از شور و هیجان احساسات است.

مراسم جادوانه و رقصهایی که موجب خلسه و شور می شوند از آسیا و افریقا سرچشمه گرفته است و به روزگار کهن رومیان و یونانیان با آنها آشنا بودند. اینها مشتمل بودند بر مراسمی برای یافتن ارتباط باعالم نهانی و نادیده

---

۱ - Pop Music مکتب و شیوه جدیدی است در موسیقی سبک مغرب زمین.

و شرکت کسی که از همه پیوند های مادی گسسته است در آن عالم .  
موسیقی باوجود گرگونی حاصل از «تمدن» هنوز هم اندکی از هدفهای  
کهن خود را حفظ کرده است و «حالتی از هیجان» درشونده تولید می کند.  
این چنین است موسیقی هندی که هر «راگ»ی آن با احساس درشونده نفوذ یافته  
و شوری برمی انگیزد و او را به سوی اندوه و مهر و لطف و خشم بر حسب صفات  
آهنگ رهنمون می شود . موسیقی ایرانی واجد این شرایط است و موسیقی  
یونانی زمانی چنین بود .

آنچه موسیقی هندی با فورم مودال یا فرم مقامی درشونده پدیدار می کند  
موسیقی هائی به سبک کونترپوان می آفریند که يك زبان موسیقی كاملا جدا گانه ای  
است . اما این زبان موسیقی خود حالتی خاص و محیطی مخصوص ایجاد می کند  
که لذت و مستی خاص دارد . بعضی از تمدنهای افریقایی همین هدف را با  
آهنگهای چند ریتمی می پروراندند . استادی در نوازندگی و چیره دستی در  
اجرای دقیق آهنگهای دلنشین در نواهای ساده و در نواهای پیچیده و لطیف  
بسیار فرق می کند . اما این موسیقی اصلا نسبت به هدف اصلی خویش که به  
وجود آوردن وجد و هیجان باشد وفادار است .

معنی موسیقی در این نیروی آزاد کننده شنونده از قیود عقل نهفته است  
و به همین جهت موسیقی می تواند یکی از نیازهای آدمیان را بر آورد . پس  
نباید تعجب کرد که در عالم غرب پس از يك دوره موسیقی خشك و منطقی که این  
هنر را تا پایه فورمولهای زیبا تنزل داد اینك نیاز كشف مجدد يك موسیقی که  
بتواند هیجان و شور برانگیزد و بار قص و پایکوبی حالتی از بیخودی و بریدن  
از جهان خارج بیافریند، احساس می شود . جاز و موسیقی پوپ و موسیقی «بیت»  
نمودار باز گشتن موسیقی به ارزشهایی است كاملا دیگر گون و میل به سوی عالمی  
نادیدنی که منطق آن را از مابکلی پوشیده داشته بود . پس جای شکفتنی نیست که این  
موسیقی جدید و پر شور کسانی را که در زندگی خواهان گونه ای عرفان و معنی  
هستند و می خواهند با عالم مافوق الطبیعه و بیخودی و مستی ارتباط حاصل کنند  
جلب می کند .

آیا این تمایل ما را بر آن خواهد داشت که قید موسیقی چند صد ساله



خود را که همان موسیقی غربی باشد بزنیم؟ البته ضرورت ندارد. آنان که بتها را می‌سوزانند وحشیند. اما باید در نظر آوریم که این موسیقی همچون يك پدیده تاریخی است و يك استثنا است. آن را باید پایان یافته انگاشت. دوران موسیقی منطقی غربی محکوم است به بی‌اثری و عدم توجه، تنها جاز و موسیقی «پوپ» و «بیت» است که می‌تواند حال تازه‌ای به موسیقی بدهد.

داوری کردن درباره نواهای جدید که محیطی از روح و عالم معنی پدید می‌آورند کاری است شتابزده، زیرا که میزان سنجش ما در این داوری میزانی است کاملاً جدا و دور از این گونه موسیقی. با آن میزان این موسیقی بسیار ساده و ابتدایی می‌نماید. اما اگر همه نواها و آواها را با بی‌طرفی و با از یاد بردن تعصبات بررسی کنیم و به آنها گوش فرا داریم این چنین قضاوتی نخواهیم کرد. يك مقایسه نموداری از يك اثر که به دست نوازنده‌ای استاد نواخته شده باشد با همان اثر که به دست نوازنده‌ای معمولی و بی‌شور و مستی و بردستگاه «ملوگراف» ضبط شده باشد نشان می‌دهد که میان این دو هیچ بستگی نیست. حالتی که برای شنونده پیدا می‌شود در هر يك از دو مورد با آن دیگری تفاوت بسیار دارد.

چه بسا که از نظر ما موسیقی ذکر درویشان ایران بسیار تکراری و ابتدائی برسد، با اینهمه در چنین محیطی از نواها و موسیقی بود که شعر عرفانی و عالی فوق‌العاده ایران که عمیق‌ترین و لطیف‌ترین و پرغنا‌ترین نمونه شعری است که در جهان می‌شناسیم جان گرفت.

با این تصور موسیقی امروزه هیپی‌ها را نباید دست‌کم گرفت. این همان شطحیات و آواهایی است که در عالم بیخودی خلسه و مستی پدیدار شده است. بازگشت به موسیقی هیجانی و رابطه با عالم مافوق که آن را از یادها برده‌ایم و جز در بعضی نواهای عامیانه اثری از آنها برجای نمانده، نشانی است از انقلابی عظیم که گذشته از موسیقی در بسیاری شئون دیگر هنر و زندگی نیز پدیدار خواهد شد.